



پیشنهادهای خواندنی به دانشجویان برای روزهای گرم تابستانی

درس دوم: خودمان را کشف کنیم

چند روایت معتبر از عادت‌های مطالعاتی و نویسندگی نویسندگان بزرگ

Night Writers

There is something magical in night writing. And the below writers know it. Here's the list of authors who choose to create while others are sleeping.

نویسندگانی که گفته شده تنها در شب قادر به نوشتن بودند و تمام آثارشان را در شب به رشته تحریر درآوردند

باعث شده یکی از کتاب‌هایش را کاملاً به ورزش دو اختصاص دهد؛ از دو که حرف می‌زنم از چه حرف می‌زنم. حال که بحث به اینجا کشید، بگذارید یک عادت بامزه از نویسندگانی که فکرش را هم نمی‌کنید، برایتان بگویم؛ آگاتا کریستی، جنایی نویسنده مشهور و خالق آثار کلاسیکی چون قتل در قطار سریع‌السیر شرق، عادت داشت هر وقت به حمام می‌رود، سیبی را با خود به داخل وان برده و در حالی که به معمای قتل داستانی که در سر دارد می‌اندیشد به آن سیب گاز بزند! فکر کنید! قتل مرموز یک پیرزن در کوچه پشت خانه‌اش در حال گاز زدن سیب! این عادت‌ها شاید کمی عجیب و غریب باشند که هستند، اما ما هم انتظار نداریم برای کتابخوان شدن از فردا صبح دنبال قطب‌نما بروید یا در حمام سیب گاز بزنید! باید بدانیم که خواندن به عادت نیاز دارد و برای کشف عادت، هر کس باید خودش را کشف کند، زیرا همان طور که دیدید عادت‌های نویسندگی و مطالعه نویسندگان بزرگ هم به کلی با هم متفاوت است. باید ببینید چه زمانی از روز برای شما مطالعه مفیدتری را همراه دارد. کجای خانه‌تان است که وقتی آنجا هستید احساس راحتی بیشتری می‌کنید و در نتیجه مغزتان برای درک پیام یک نوشته کار آسان‌تری را در پیش دارد. آیا اگر هنگام مطالعه یک طرف میوه یا یک فنجان قهوه در کنارتان باشد و هر از گاهی چیزی بخورید یا بنوشید بهتر می‌توانید کتاب بخوانید یا اینکه این مساله فقط تمرکزتان را به هم می‌زند؟ آیا فقط در خانه‌تان می‌توانید کتاب بخوانید یا شما هم جزء کسانی هستید که همیشه می‌توانید یک کتاب کم حجم جیبی در کوله‌پشتی‌تان داشته باشید و در تاکسی، مترو یا پارک وقت‌شان را به خواندن بگذرانند؟ درست مثل آبراهام لینکلن، رئیس جمهور فقید ایالات متحده آمریکا که به هر جا می‌رفت، کتابی با خود داشت. هنگام کار در مزرعه به محض آنکه فرصتی می‌یافت، کتاب همراهش را ورق می‌زد، به درختی تکیه می‌داد و می‌خواند و بالاخره بارها و بارها خواندن کتاب مقدس و اشعار شکسپیر، روزی ثمر داد و او لینکلن رئیس جمهوری شاعر ساخت. حواس‌تان باشد که عادت‌های کتابخوانی هر کس منحصر به خود اوست و احتمال دارد در خصوص سایرین نتیجه ندهد. دوستی داشتم که می‌گفت من حتماً باید در اتاق کار خودم و پشت میز تحریرم بنشینم تا بتوانم کتاب بخوانم و بفهمم چه می‌خوانم. خاطرم هست که به اعتبار حرف‌های او و چیزهایی که در فیلم‌ها و سریال‌های عمدتاً خارجی دیده بودم، رفتم یک میز تحریر بسیار شیک خریدم و در اتاق خوابم یک میز تحریر جدیدی برای کتاب خواندنم از این میز نکردم، اما هنوز که هنوز است، هنوز کتاب‌های من پذیرایی خانه‌ام بهترین نشیمنگاه من برای کتابخوانی است!

یکی از مهم‌ترین نکات در کتابخوانی این است که بتوانیم کتاب خواندن را برای خود به یک «عادت» تبدیل کنیم، یعنی همان طور که در زندگی روزانه‌مان برای صرف شام، تفریح، رفتن به محل کار، پوشیدن لباس خوب و آراسته بودن، روشن کردن کولر در روزهای گرم در خانه و... عادت داریم و برپایمان بدیهی شده، کتاب خواندن هم برپایمان تبدیل به چنین امری شود. البته تلقی‌ای که در اینجا از کلمات «عادت» و «بدیهی» دارم به هیچ وجه تلقی منفی نیست، چون در مواردی «عادت شدن» یک پدیده‌ان را فاقد تنوع و جذابیت جلوه می‌دهد که صدا البته این اتفاق مثبتی نیست. اما در این مورد مفهوم مورد بحث این است که کتابخوانی برای خواننده تبدیل به امری شود که اگر روزی از روزهای علت مشغله با هر چیز دیگر از آن غافل شود، احساس کند چیزی را از دست داده و کار مهمی را از یاد برده است. با این مقدمه، باید دید چطور می‌توان این «عادت» را در خود ایجاد کرد. نکته مهم اینکه برای عادت شدن کتابخوانی، باید برای خودمان «عادت کتابخوانی» خلق کنیم که الزام آن کشف خودمان است. وقتی زندگی نویسندگان بزرگ را می‌خوانیم، می‌بینیم آنها برای خواندن و نوشتن عادت‌های جالب و گاه عجیب و غریبی داشته‌اند و اتفاقاً همین عادت‌های عجیب‌شان بوده که در نوشتن کم‌کم زبانی به آنان کرده است. برای مثال در تاریخ آمده چارلز دیکنز، برجسته‌ترین رمان‌نویس عصر ویکتوریا موقع خواب یک قطب‌نمای ناپوی داشته که عقربه‌های آن را به سمت جهت جغرافیایی شمال تنظیم می‌کرده و آن را کنار تخت خود می‌گذاشته است! او معتقد بوده این مساله الهامات نویسندگی و خلاقیتش را تحریک می‌کند و قطب‌نمای خالق نیکلاس نیکلیبی، روزگار سخت، آرزوهای بزرگ و سرود کریسمس هم به خلق این آثار کمک فراوانی کرده! مثال دیگر گابریل گارسیا مارکز است که در ایران از نویسندگان برطرف‌دار به‌شمار می‌رود. وی در ابتدا روزنامه‌نگار بود و بعدها هم که قدم در راه نویسندگی و ادبیات گذاشت، عادت داشت صبح زود از خواب بلند شود و ابتدا خبرها را بخواند و بعد شروع به نوشتن کند. هاروکی موراکامی ژاپنی - که احتمالاً اثر معروفش، کافکار کرانه را خوانده باشید- عادت دارد هر روز صبح ساعت چهار از خواب بیدار شود و هر شب ساعت ۹ به رختخواب برود. او در کنار اینکه - آن طور که می‌گویند- نویسنده بالذات است، روزنویس حرفه‌ای است. نیز هست؛ دوبین در برنامه روزانه همیشگی او وجود دارد. علاقه او به دوبین

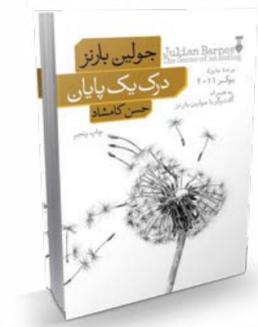


پیمان طالبی
روزنامه‌نگار

قصه خوانی

بارنز دوست داشتنی

جولین بارنز نویسنده‌ای است که در یکی، دو سال اخیر در ایران بسیار پرطرفدار شده است. او در سال ۲۰۱۷ نشان لژیون دونور فرانسه را دریافت کرده و تا به حال ۱۳ رمان نوشته است. او ابتدا سه‌بار، در سال‌های ۱۹۸۴، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵ به لیست نامزدهای نوبل جایزه من بوکر راه پیدا کرد، اما موفق به دریافت آن نشد. اما در نهایت در سال ۲۰۱۱ موفق شد با رمان «درک یک پایان» این جایزه را از آن خود کند. در ایران نیز بارنز را بیشتر با همین رمان می‌شناسند. رمانی که حسن کامشاد آن را ترجمه و نشر نو آن را منتشر کرده است. این کتاب درباره شخصیتی به نام تونی بوستر است که به روایتی درباره زندگی گذشته و حالش می‌پردازد و این روایت به قدری پرشمار و پراستاد است که مخاطب را جذب و با خود همراه می‌کند. کتاب - همان طور که از اسمش پیداست - پایان ویژه‌ای دارد که مخاطب را دچار شگفتی می‌کند.

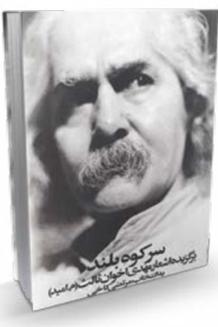


پاراگرافی از فصل آخر رمان را بخوانید. «چقدر پیش می‌آید که داستان زندگی خود را تعریف کنیم؟ چقدر آن را اصلاح می‌کنیم و تغییر می‌دهیم؟ زیرا که برش‌هایی از آن را نمایش می‌دهیم و بخش‌های دیگری از آن را گذشته همراه ما باقی مانده‌اند، کمتر و کمتر می‌شود و دیگر کسی نیست که به ما یادآوری کند آنچه به عنوان داستان زندگی خود می‌گوییم بیشتر داستان مان است تا زندگی مان.» از بارنز کتاب‌های دیگری با عناوین «قطب یک داستان»، «طوطی فلور»، «هیاهوی زمان»، «آرتور و جورج»، «عکاسی با لئون سواری عشق و آندوه» و «کتاب برگ» تاکنون در ایران به چاپ رسیده است.

گلچین

سرکوه اخوان

زنده‌یاد مهدی اخوان ثالث از شاعران پرکار در ادبیات ما محسوب می‌شود. به این معنا که او را در اکثر قالب‌های شعر فارسی طبع آزمایی کرده و شعر سروده و ثانیاً تعداد این اشعار - فارغ از کیفیت - از کمیت خوبی برخوردار است. از همین منظر اگر شما یک شاعر یا یک مخاطب حرفه‌ای شعر نباشید، بعید است وقت و حوصله این اجازه را بدهد که تمام اشعار و مقالات اخوان را بخوانید. به همین علت معرفی کتابی که گلچین بهترین سروده‌های اخوان ثالث را شامل می‌شود باید گزینه مناسبی باشد. خصوصاً اگر کسی که این اشعار را گلچین کرده، یکی از دوستان نزدیک اخوان ثالث و ادیب و پژوهشگر شایسته و شناخته‌شده در جامعه ادبی کشور باشد؛ مرتضی کاخی که از دوستان اخوان ثالث بوده و کتاب یادنامه مهدی اخوان ثالث (باغ‌ی برگی) نیز از آثار اوست، گزینه‌ای از اشعار اخوان را در کتابی به نام «سرکوه بلند» منتشر کرده است. این کتاب در سال ۱۳۹۲ توسط نشر زمستان منتشر شد. نشر زمستان ناشر تخصصی آثار مهدی اخوان ثالث است و توسط فرزندان او زودت اخوان ثالث اداره می‌شود. حرف اخوان ثالث شد این را بگویم بد نیست. در گفت‌وگویی به کاخی گفتند بهترین خاطره‌ای که از اخوان دارید چیست، گفت: «یک شب در خانه یکی از بزرگان ادبیات خراسان دور هم جمع شده بودیم و هر کس قرار شد یک شعر از خودش بخواند. نوبت شعر خواندن اخوان که رسید، گفت من دلم می‌خواهد شعر «سبز» را بخوانم، ولی آن را حفظ نیستم. گفتم آقای اخوان من آن را حفظ هستم، اگر اجازه بدهید بخوانم. او هم استقبال کرد. وقتی شعر را برایش خواندم، جواری از خوانش من خوشش آمد که گفت: عزیزجان! هیچ کس جز کاخی اجازه ندارد این شعر را بخواند!»



عطف

خورش خوری

چند روزی است که کتاب تازه‌ای از نشر اطراف منتشر شده است. اطراف‌های علی‌رغم مدت اندکی که از فعالیت‌شان می‌گذرد، توانسته‌اند به جایگاه مناسبی در حوزه نشر داستان و روایت‌های داستانی دست پیدا کنند و تنوع آثاری که در نشر «اطراف» به چاپ رسیده، گویای اشراف و احاطه خوب آنها به حوزه کاری‌شان است. نفیسه مرشدزاده، رئیس انتشارات اطراف که پیش از این سردبیر داستان همشهری بود، در آن دوره نیز اتفاقات خوبی را رقم زد و حال در قامت یک رئیس انتشارات توانسته فضای مناسبی برای نشر آثار کمتر دیده شده حوزه داستان و روایت فراهم آورد. کتاب جدید اطراف‌ها عنوانش «کارنامه خورش» است و به کوشش نازیلا ناظمی منتشر شده است. این کتاب دستور کامل غذاهای مختلف ایرانی و گاهی غیرایرانی است که به همت نادر میرزا و همراهی همسرش نوشته شده است. نادر میرزا قاجاری یکی از نوادگان فتحعلی شاه است که برخلاف خیلی از شاهزادگان قاجاری قدر ندید و بخشی از عمرش را به خاطر درگیری‌های سیاسی در زندان گذراند. او را می‌توان یکی از شاهزادگان فرهیخته قاجاری دانست که سال‌های آخر عمرش را به مطالعه و نویسندگی گذراند. «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز»، «نوادرا اهلثال» و «لغات تشریح انسان» از آثار اوست. تسلط نویسنده به ادبیات، تاریخ و طب دوره خودش و دقت او در نگارش سبب شده کتاب «کارنامه خورش» تنها دستور طبخ غذاهای مختلف نباشد. این کتاب فرهنگ‌نامه‌ای از غذاهای ایرانی است همراه شرح حوادث تاریخی، خاطرات نویسنده، قصه و شعر که همه با نظمی درونی کنار هم نشسته‌اند. «اطراف» یک عادت خوب دارد و وقتی کتابی را چاپ می‌کند تا یکی دو هفته از زمان انتشار، آن را با تخفیف مناسبی در سایتش عرضه می‌کند. الان بهترین فرصت برای خرید است!



از هر دری

آقای ایده‌پرداز کتاب می‌نویسد

دیوید لینچ، رهبر فضا‌های سوررئال در کارهایش می‌شناسیم و ایده‌آثار همواره مورد توجه علاقه‌مندان سینما قرار گرفته است. شاید خیلی‌ها با فیلم‌های لینچ ارتباط برقرار نکنند یا لینچ کارگردان مورد علاقه‌شان نباشد، اما اکثریت سینمایی‌ها در برابر ایده‌های عجیب و غریب و جالب توجه او سر تعظیم فرود می‌آورند. حتی اگر فیلم در نهایت فیلم مورد علاقه‌شان نباشد. از دیوید لینچ کتابی به زبان فارسی ترجمه شده که از همان زمان انتشار با استقبال بسیار خوبی مواجه شد و علاقه‌مندان حوزه سینما و کتاب را ذوق زده کرد؛ کتابی تحت عنوان «صید ماهی بزرگ» که توسط انتشارات بیدگل به چاپ رسیده است. از اردیبهشت ۹۷ که این کتاب چاپ شد تا اردیبهشت امسال دوسال می‌گذرد و در این مدت کتاب به چاپ هشتم رسیده است. لینچ در این کتاب روزنی کمیاب روی اسلوب‌های هنری، سبک کار شخصی و بهره‌های خلاقانه فراوان خود را تجربه مراقبه می‌گشاید. لینچ شرح می‌دهد که چگونه به مراقبه تعالی بخش به درون «شیرجه» می‌زند، ایده‌ها را مانند ماهی «صید» می‌کند و آنها را امپهای پرده سینما می‌سازد. لینچ برای اولین بار در مورد تعهد سسی‌واندی سال‌هاش به مراقبه تعالی بخش و تأثیری که بر فرآیند خلاقیت او نهاده، می‌نویسد. کتاب را علی‌ظفر قهرمانی نژاد ترجمه کرده که ترجمه بسیار روان و نثر سهل و ممتنعی دارد. کتاب‌های نشر بیدگل بسیار خوشخوان هستند و ظاهری زیبا دارند. قیمت مناسب کتاب (۲۶ هزار تومان) از ویژگی‌های مثبت دیگرش است.



معرفت

رقیب تذکره الاولیا

هفته پیش در بخش «قصه خوانی» داستانی از زنده‌یاد قاسم هاشمی نژاد معرفی کردم و ذیل آن تا حدودی از ایشان سخن به میان آمد. هاشمی نژاد چند بعدی بود و دستی هم در عرفان داشت. در واقع «عرفان» حوزه‌ای بود که هاشمی نژاد بخش اعظم او را به آن اختصاص داد و نتیجه آن چند کتاب ارزشمند در این حوزه شد. یکی از این آثار کتاب «سیبی و دو آینه» است که در چهار بخش با عنوان‌های سرگناشت، روایت‌ها، کمینه‌ها و گزیده گویی‌ها به شرح زندگی، آثار و عقاید عارفان بزرگی همچون حسین منصور حلاج، بایزید بسطامی، ابراهیم ادهم، رابعه ادویه، ابوسعید ابی‌الخیر و ابوبکر بلخی پرداخته است. در توضیح پشت جلد کتاب آمده است: «تمثیل سیبی و آینه از یک عارف قرن هفتمی سالکان را وسیله توضیحی گشت برای بیان حقیقت توحید عارفان فره‌مندی که پایگاه و نکلونگاری آنها مبنای این دفتر شده است. اگر از گوناگونی نام‌ها بگذریم که هم سبب شناسایی و هم سبب تمایز آنهاست در واقع داریم از یک تن واحد از یک روح‌هایی یافته سخن می‌گوییم. نثر منحصربه‌فرد هاشمی نژاد که حکایت از دانش بالا و احاطه کافی او بر ادبیات کهن دارد، در این کتاب به خوبی نمود پیدا کرده و همین نکته سبب شده که عده‌ای این اثر را با «تذکره الاولیا» عطار مقایسه کنند. کتاب حاضر را نشر «مرکز» منتشر کرده و در اختیار مخاطبان قرار داده است.



گلاب و گل

شعرهایی به انتخاب سیمین

«زندگی چیزی کم دارد» عنوان کتابی است از مهدی مظفری ساوجی شاعر هم‌روزگارمان که گزیده شعرهای ساوجی را دربر می‌گیرد و زنده‌یاد سیمین بهیمنی آنها را گلچین کرده است. ساوجی مدتی از سال‌های زندگی زنده‌یاد بهیمنی را با او معاشرت داشته که نتیجه آن چند کتاب مهم و ارزشمند است؛ یکی از این کتاب‌ها «یادداشت‌های روزانه» ۱۱۰ روز با سیمین بهیمنی است که در آن ساوجی قریب به چهارماه همراه بودن با بهیمنی را روی کاغذ آورده و لحظه لحظه خاطرات این دوران را با نقل قول‌های ارزشمندی از زبان بهیمنی را روایت کرده است. کتاب دیگر «سبز و بنفش و نارنجی» است که شامل یک گفت‌وگوی بلند با زنده‌یاد بهیمنی است و در آن عقاید و نظرات بهیمنی درباره مسائل مختلف فرهنگ و هنر و به‌طور مشخص ادبیات را می‌توان پیدا کرد. اما کتاب «زندگی چیزی کم دارد» گلچینی است از اشعار ساوجی که از سوی نشر نگاه به چاپ رسیده است. بهیمنی در مقدمه این کتاب می‌گوید: «این شعرها را من دوست دارم و درباره آنها حرف‌هایی داشته‌ام که در دو نوشته جداگانه آمده است. مظفری ساوجی زبان ساده‌ای دارد. زبانی سهل و ممتنع که اگرچه ظاهراً ساده به نظر می‌رسد، اما عمیق است و حاصل تأملات و تألمات اندیشه و عاطفه خیال‌انگیزی است که ذهن و زبان سیال و خلاق او برایش به‌ارمان آورده است. از این لحاظ شعر برای شاعر تفتن نیست که مثلاً خواهد با آن خود و مخاطبش را سرگرم کند.»

